

# ازدواج

از مجموعه کتاب‌های قرآن و مهارت‌های زندگی

۱۵

گروه تحقیق: دکتر رحیم خاکی، لیلا حمداللهی  
با نظارت: دکتر محمد بیستونی

خاکی، رحیم  
ازدواج / گروه تحقیق رحیم خاکی، لیل احمداللهی؛ با نظارت محمد بیستونی.  
قم: بیان جوان، ۱۳۹۰.  
۹۱ص: ۱۰×۷ س.م. مجموعه کتابهای قرآن و مهارتهای زندگی: ۱۵  
دوره: ۰-۲۲۸-۶۰۰-۹۷۸-۷-۰۴۹-۷: ISBN 978-600-228-022-0  
فهرستبندی براساس اطلاعات فیبا. کتابنامه به صورت زیر نویس.  
زناشویی (اسلام) زناشویی اسلام—جنبه‌های قرآنی  
زناشویی (اسلام)—احادیث  
حمداللهی، لایلا  
بیستونی، محمد، ۱۳۳۷-  
۱۳۹۰ الف ۱۶ خ/ ۲/ ۲۵۳ BP ۲۹۷/۷۲۵  
کتابخانه ملی ایران  
۳۳۴۱۹۵۷

عنوان: ازدواج  
گروه تحقیق: دکتر رحیم خاکی، لیل احمداللهی،  
با نظارت: دکتر محمد بیستونی  
ویراستاری، تایپ و صفحه‌آرایی: فاطمه سرزهی  
چاپ و صحافی: مرکز چاپ سپاه  
نوبت و تاریخ چاپ: اول، بهار ۱۳۹۱  
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه  
ناشر: انتشارات بیان جوان  
شابک: ISBN 978-600-228-049-7

حق چاپ محفوظ نیست و هرگونه نسخه‌برداری و چاپ از این کتاب  
به منظور توسعه فرهنگ قرآن کریم، باخذ مجوز کمی از  
مؤسسه قرآنی تفسیر جوان پالمانع است

نشانی: تهران خیابان پاسداران - بین گلستان هشتم و نهم - شماره ۴۵۱ -  
طبقه همکف واحد ۴ تلفکس: ۲۲۵۸۹۶۲۶ WWW.TafsireJavan.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### تقدیم به پیشگاه

محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیامبر عشق و مهربانی و  
امام علی بن ابیطالب عَلِيٌّ مولای همه خوبان عالم و  
به باره تن رسول خدا محبوبه دلها فاطمه زهرا عَلِيهَا السَّلَامُ و  
به دو فرزند آنها حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ سرور جوانان بهشت و  
به نه امام معصوم بزرگوار که از نسل حسین بن علی عَلَيْهِمَا السَّلَامُ هستند  
به ویژه حجة بن الحسن عَلَيْهِمَا السَّلَامُ خلیفه و باقیمانده خدا در زمین که همه علوم  
پیامبران الهی را دارا می باشد و ریشه جنایتکاران عالم را قطع خواهد نمود.  
همان کسی که قوانین خدایی را حیا نموده و پرچم حق را به اهتزاز در خواهد آورد.  
پس ای عزت بخش دوستان خدا و دلیل کننده دشمنان دین خدا و ای واسطه  
نزول برکات آسمانی برای اهل زمین؛ همه ما و دوستانمان در غیبت  
شما گرفتار رنج و پریشانی هستند و دستها و ظرف وجود ما  
از ابراز عشق واقعی و عملی آنچنان که شایسته مقام شما  
باشد، خالی است. از شما خاندان کرامت و شرافت استدعا  
داریم پیمانهای تهی مانده ما را با صدقه‌ای که  
با رحمت خود عنایت خواهید فرمود سرشار سازید  
زیرا ما جز احسان و بنده پروری  
از شما سراسر نمداریم.

متن تأییدیه مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی جعفر سبحانی  
رئیس رشته های تخصصی تفسیر، تبلیغ و کلام در حوزه علمیة قم

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از گام های مؤثر که باید مفسران اسلامی در تشریح و تفهیم مقاصد عالی قرآن بردارند این است که، دگرگونی عمیقی در شیوه تفسیر به وجود آورند و از تکرار تفسیر قرآن به شیوه تریبی که سوره به سوره یا آیه به آیه است، خودداری نمایند و توجه خود را به شیوه دیگری که همان «تفسیر موضوعی» است، معطوف سازند. آن گاه خواهند دید در این نوع تفسیر چه پنجره های زیبایی از علوم و معارف قرآن در چشم انداز تفسیری آنان گشوده می شود.

در همین راستا برادر فرزانه جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس گروه مؤسسات قرآنی تفسیر جوان در تلاشی بیست ساله بالطف و عنایات ویژه الهی شش نوع تفسیر موضوعی برای شش مخاطب هدف تحت عناوین تفسیر کودک، تفسیر نوجوان، تفسیر جوان، تفسیر زنان، تفسیر مردان و تفسیر خانواده با نظارت علمای برجسته حوزه های علمیه تألیف و منتشر نموده و چندین کتب ارزنده قرآنی و تفسیر موضوعی مستقل را نیز تحت عناوینی همچون تغذیه، باستان شناسی، هنرهای دستی،

دنیای حیوانات، شعر و شاعری، آب و باران، فقر و ثروت، نهج البلاغه جوان، خلاصه الغدير، لغت شناسی و مفاهیم قرآن کریم و... را با نگاه ویژه به قرآن، حدیث و علوم روز برای نسل جوان تألیف و چاپ و منتشر نموده است که این حجم از فعالیت‌های تأثیرگذار قرآنی در نوع خود کم‌نظیر می‌باشد.

برای ایشان تداوم توفیقات و طول عمر همراه با صحت، عزت و حسن عاقبت را خواهانم و به همه خانواده‌های محترم و جوانان عزیز توصیه می‌نمایم از همه آثار ارزشمند و کاربردی ایشان که با محتوای عمیق و ساده و زیباترین شکل ارائه شده است حداکثر استفاده را بنمایند.

قم - جعفر سبحانی

۸۸/۸/۴

## پیش‌گفتار

قرآن کریم در آیات ۸۲ سوره‌ٔ اِسْرَاء و ۴۴ فُصِّلَتْ و ۵۷ یونس خود را به عنوان نسخهٔ شفابخش معرفی می‌کند. بنابراین می‌توان این کتاب آسمانی را همچون داروخانه‌ای فرض کرد که بیماران و نیازمندان متناسب با نوع بیماری و نیاز خاص خود باید به سراغ آن رفته و برنامهٔ زندگی و نجات خود را از این گنجینه معنوی و مادی انتخاب کنند تا پرنده زیبای خوشبختی را در آغوش گرفته و در ساحل امن و آرام آن طی مسیر نموده و دنیا و آخرت خود را در سایه عمل به محتوای قرآن آباد سازند. در همین راستا گروه مؤسسات قرآنی تفسیر جوان که تشکلی مردمی و غیرانتفاعی است ۱۲ مؤسسه تخصصی قرآنی را تأسیس نموده تا هر یک از مؤسسات متناسب با «مخاطب خاص» یا «موضوع خاص» مندرج در اساسنامهٔ رسمی خود، گروه‌های بسنی گوناگون را با آیات مورد نیاز همان گروه مأنوس ساخته و درک و فهم آیات موضوعی را برای آنان ساده و میسر سازد. سیستم مهندسی، طراحی، تحقیق، تألیف یا تلخیص همهٔ آثار قرآنی ما بر این اصل استوار می‌باشد که: «آیاتی را که افراد مختلف بر اساس درک عقلی و بسنی خود برای زندگی بهتر نیاز دارند باید یاد بگیرند» همانطور که همین اصل در مورد احکام فقهی نیز تصریح شده و در صفحات اولیهٔ همهٔ رساله‌های عملیهٔ مراجع تقلید عظام قریب به همین

مضمون چنین آمده است: «مسائلی را که انسان غالباً احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد». لذا براساس فلسفه وجودی تأسیس هر مؤسسه، شش نوع تفسیر براساس شش جمعیت هدف و دو مجموعه چندجلدی تفسیر موضوعی تحت عناوین: «تفسیر علامه» (۸۰ جلدی، برگرفته از تفسیر المیزان آیه الله محمدحسین طباطبائی ره) و «تفسیر سبحان» (۷۰ جلدی، برگرفته از تفسیر منشور جاوید و سایر آثار قرآنی آیه الله العظمی جعفر سبحانی) و دهها عنوان تفسیر موضوعی، کاربردی و میان رشته‌ای تحت عناوینی همچون باستان‌شناسی، هنرهای دستی، شعر و شاعری، خرافات، سحر و جادوگری، راز خوشبختی و... در مؤسسات مذکور تدوین و منتشر شده است. ویژگی هر یک از تفاسیر هشت‌گانه به شرح زیر می‌باشد:

۱- «تفسیر کودک» ویژه کودکان پیش دبستانی تا پایان دبستان که حدود «۲۰۰ آیه مورد نیاز» برای کودکان عزیز را به صورت گرافیکی، مفهومی و به ۳ زبان فارسی، عربی و انگلیسی در ۳۰ جلد به صورت تمام رنگی با قطع بیاضی در خود جای داده است.

۲- «تفسیر نوجوان» ویژه نوجوانان مقطع راهنمایی است که برگرفته از تفسیر نمونه آیه الله العظمی مکارم شیرازی بوده و حدود «۲۰۰ آیه موضوعی» متناسب با نیازهای نوجوانان عزیز را در برگرفته و با استفاده از ۹ رنگ جذاب در چاپ متن با قطع جیبی در

۳۰ جلد برای جامعه هدف خود طراحی شده و به دلیل دارا بودن فهرستواره موضوعی این امکان را برای نخستین بار برای نوجوانان فراهم می‌سازد تا بدون نیاز به استاد حدود ۴۰۰۰ موضوع از قرآن کریم را به سادگی فیش برداری و تحقیق نموده و در قالب مقاله یا کتاب ارائه دهند. ضمناً مجموعه ۳ جلدی لغات و مفاهیم خاص این تفسیر اخیراً چاپ و منتشر شده است.

۳- «تفسیر جوان» ویژه جوانان دبیرستانی، دانشجویان و بزرگسالان می‌باشد که کل آیات قرآن را با استفاده از تفسیر نمونه در ۳۰ جلد به خود اختصاص داده است و جوانان عزیز با استفاده از فهرستواره موضوعی و الفبایی فارسی این تفسیر قادر خواهند بود تا حدود ۱۰/۰۰۰ موضوع مورد نیاز خود را پژوهش و استخراج نمایند. ضمناً تفسیر یادشده در ۵ جلد وزیری و ۲ جلد رحلی به ضمیمه فهرستواره موضوعی نیز چاپ و منتشر شده است.

۴- «تفسیر زنان» در این تفسیر مجموعه آیات مربوط به بانوان محترم استخراج شده و در ذیل هر آیه تفسیر آن بر اساس سه تفسیر معتبر موجود یعنی «تفسیر نمونه» تألیف حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی و «تفسیر مجمع البیان» اثر گرانسنگ مفسر بزرگ جهان تشیع امین‌الاسلام مرحوم آیه الله طبرسی (متوفی به سال ۵۴۸ هـ.ق) و «تفسیر المیزان» نوشته مرحوم آیه الله علامه طباطبایی، درج شده است. البته مجموعه مطالب استخراج



شده از تفسیرالمیزان دربارهٔ زنان و خانواده به صورت یکجا جمع‌آوری و در پایان کتاب درج شده است. تعداد آیات گزینش شده در این تفسیر «۲۷۵ آیه» می‌باشد. تعداد مجلدات این تفسیر ۲ جلد با قطع وزیری است.

۵ - «تفسیر مردان» که دربردارندهٔ آیات مربوط به آقایان می‌باشد، نظیر آیاتی که وظایف و تعهدات مردان نسبت به خانم‌ها را تبیین نموده یا گروه آیات جهاد و شهادت. تعداد آیات گزینش شده در این تفسیر «۳۵۰ آیه» می‌باشد. تعداد مجلدات این تفسیر ۲ جلد با قطع وزیری است.

۶ - «تفسیر خانواده» که مجموعهٔ آیات مرتبط با مسائل خانوادگی را به صورت تخصصی و موضوعی مورد ارزیابی قرار داده است. تعداد آیات گزینش شده در این تفسیر «۴۲۵ آیه» می‌باشد. تعداد مجلدات این تفسیر ۲ جلد با قطع وزیری است.

۷ - «تفسیر علامه» ویژهٔ جوانان دبیرستانی، دانشجویان و بزرگسالان می‌باشد. هر یک از مجلدات این تفسیر که به یک موضوع خاص و میان‌رشته‌ای مورد نیاز مخاطبین هدف، اختصاص یافته، در مدت ۲۵ سال بتدریج توسط قرآن پژوه محترم و بااخلاص جناب آقای سیدمهدی امین از روی

تفسیرالمیزان، تألیف آیه‌الله محمدحسین طباطبائی ره خلاصه‌برداری، دسته‌بندی، فهرست‌گذاری و تحریر شده است. ✨ ۸ - «تفسیر سبحان» ویژه جوانان عزیز می‌باشد که با کسب اجازه از محضر آیه‌الله العظمی جعفر سبحانی و با اقتباس از تفسیر منشور جاوید و سایر آثار ارزنده قرآنی معظم‌له به صورت موضوعی و کاربردی تدوین و بتدریج چاپ و منتشر می‌شود. اینجانب فکر اولیه تدوین تفسیر موضوعی و خلاصه برای جوانان عزیز را از فرمایشات رهبر عالیقدرمان امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی» الهام گرفتیم که فرمودند: «سعی کنید حتماً ترجمه و تفسیر مختصری از قرآن به همه یاد بدهید اصلاً این را یکی از برنامه‌های خودتان قرار بدهید که کسی از مرد و زن نماند که از اول تا آخر یک تفسیر خلاصه را نخوانده باشد اگر بتوانید در طول چهار - پنج سال چنین کاری را انجام بدهید دستاورد خیلی بزرگی است.» هدف از تدوین این مجموعه، ارتقاء مهارت‌های زندگی با نگاه ویژه به قرآن و عترت برای احاد افراد جامعه خصوصاً جوانان عزیز می‌باشد، زیرا «قرآن بهترین کتاب مهارت‌های زندگی است».

دکتر محمد بیستونی

رئیس مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

تهران - بهار ۱۳۹۰

**تعریف ازدواج:**

- **تعریف لغوی:** این واژه در لغت به معنی آمیزش جنسی و عقد است.

ازدواج در قرآن کریم با عبارات مختلفی از جمله ، ازدواج ، انکاح و ... بیان شده است ، زوج<sup>(۱)</sup> به هر دو قرین از مذکر و مؤنث در حیوانات و گیاهان و انسانها اطلاق می شود که با هم ازدواج یافته اند . «ازدواج»<sup>(۲)</sup> یعنی با هم جفت شدن و جفت گرفتن یا زن گرفتن مرد و شوهر کردن زن ، و «انکاح»<sup>(۳)</sup> از باب افعال یعنی تزویج کردن زنی با مردی و بالعکس و همچنین به معنای بسته شدن و گره زدن زن و شوهر به یکدیگر می باشد .

زوج و ازدواج در انسانها و جانداران در آیاتی چند بیان شده از جمله :

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا

۱- قاموس قرآن قرشی . ۲- فرهنگ فارسی عمید .

۳- قاموس قرآن قرشی .

إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً ... : و از نشانه‌های او اینکه خلق کرد برای شما از خود شما جفت‌هایی تا با آنها انس بگیرید و آرامش یابید و قرارداد بین شما دوستی و رحمت ...»<sup>(۱)</sup>

« فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ مِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ... : او آفریننده آسمان‌ها و زمین است و از جنس شما همسرانی برای شما قرارداد و جفت‌هایی از چهارپایان آفرید و شما را به این وسیله (به وسیله همسران) تکثیر کند ، ...»<sup>(۲)</sup>

### اهمیت و فضیلت ازدواج

« وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْزِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ : مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درست‌کاران را اگر فقیر و تنگ‌دست باشند خداوند آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد ،

۲- ۱۱ / شوری .

۱- ۲۱ / روم .



نیست که برای ازدواج ساخته می‌شود».<sup>(۱)</sup>

امام محمدباقر علیه السلام می‌فرماید: «دو رکعت نماز شخص متأهل بهتر از شب زنده‌داری شخص مجرد است که تمام شب را به نماز ایستاده و روزه را به روزه‌داری پردازد».<sup>(۲)</sup>

### ترغیب به ازدواج آسان و فراهم کردن مقدمات ازدواج

#### برای افراد

« وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ ... : مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درست‌کارتان را اگر فقیر و تنگ‌دست باشند .

آیه فوق علاوه بر اینکه به طور ضمنی هر فرد انسان را به نکاح و همسرگزینی ترغیب و توصیه می‌کند افراد جامعه را نیز

۱- فروع کافی، جلد ۵، صفحه ۳۲۸.

۲- سفینة البحار، جلد ۲، صفحه ۱۸۳.

به یک امر بالاتر از این موظف می‌دارد و به آنان فرمان می‌دهد که تسهیلات لازم را در امر ازدواج جوانانتان فراهم سازید. مسأله ازدواج و همسرگزینی را در جامعه گسترش دهید و از این طریق از شیوع فحشاء و فساد در جامعه جلوگیری نمایید. «انکحوا» (آنها را همسر دهید) با اینکه ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومی این است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید، از طریق کمک‌های مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مسأله ازدواج و بالاخره پادرمیانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام پذیر نیست. بدون شک اصل تعاون اسلامی ایجاب می‌کند که مسلمانان در هر زمینه به یکدیگر کمک کنند ولی تصریح به این امر در مورد ازدواج دلیل بر اهمیت ویژه آن است. چنانچه در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم: «بهترین شفاعت آن است که میان دو نفر برای امر ازدواج

میانجیگری کنی تا این امر به سامان برسد».<sup>(۱)</sup>

در حدیثی از امام کاظم علیه السلام می‌خوانیم:

«سه طایفه‌اند که در روز قیامت در سایهٔ عرش خداوند قرار دارند، روزی که سایه‌ای جز سایهٔ او نیست: کسی که وسایل تجویز برادر مسلمانش را فراهم سازد و کسی که به هنگام نیاز به خدمت، خدمت‌کننده‌ای برای او فراهم کند و کسی که اسرار برادر مسلمانش را پنهان دارد».<sup>(۲)</sup>

و همچنین از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

«هرگامی، انسان در این راه بردارد و هر کلمه‌ای بگوید، ثواب یک سال عبادت در نامهٔ عمل او می‌نویسد».<sup>(۳)</sup>

رسول خدا فرمودند:

«مردان بدون همسر را زن بدهید زیرا با این کار خداوند اخلاق آنان را نیکو و روزی‌های آنها را زیاد می‌کند و بر



جوانمردی آنان می‌افزاید»<sup>(۱)</sup>.

همچنین فرمودند:

«هرکس برای رضای خدا ازدواج کند و برای رضای خدا کسی را به ازدواج دیگری درآورد سزاوار ولایت و دوستی خداست»<sup>(۲)</sup>.

و نیز فرمودند:

«هرکه مؤمن عزیزی را زن دهد تا آن زن همدم و مایه پشت‌گرمی و آسایش او باشد خداوند حورالعین بهشتی به همسری او دهد و در آنجا با هریک از اهل خانواده و دوستان ایمانی‌اش که بخواهد همدم گرداند»<sup>(۳)</sup>.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

«بهترین وساطت‌ها این است که در میان دو نفر در امر

---

۱- بحارالانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۲۲۲.

۲- المحجة البيضاء، جلد ۳، صفحه ۵۳.

۳- میزان الحکمة، جلد ۵، صفحه ۲۲۵۴.

ازدواج و ساطت شود تا سر و سامان بگیرند».<sup>(۱)</sup>

بنابراین با استفاده از آیه مورد بحث و احادیث مربوطه نتیجه می‌گیریم که پیروان اسلام باید سعی کنند به سادگی و بدون تکلفات و هزینه‌های کمر شکن، آن را در جامعه عملی و برگزار کنند و رسم‌های غیراسلامی را که مانع اجرای این امر مقدس در جامعه گردیده کنار بگذارند و تشویق در امر ازدواج مجردان و هرگونه کمک ممکن به این امر باشند، مخصوصاً اسلام در مورد فرزندان مسئولیت سنگینی بردوش پدران افکنده و پدران و مادرانی را که بی تفاوت هستند شریک جرم انحراف فرزندان شمرده چنانکه در حدیثی از پیامبر می‌خوانیم:

«کسی که فرزندان او را داشته است و اقدام نمی‌کند و در نتیجه فرزند مرتکب گناهی شود این گناه بر هر دو نوشته می‌شود و وی شریک گناه فرزند خواهد بود».<sup>(۲)</sup>

۱- میزان الحکمة، جلد ۵، صفحه ۲۲۵۴.

۲- تفسیر مجمع البیان، جلد ۷، صفحه ۱۴۰.

**هدف از ازدواج آرامش است**

« وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا  
 إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ  
 يَتَفَكَّرُونَ : و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خود  
 شما برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و در  
 میانتان مودت و رحمت قرار داد ، در این نشانه هایی است  
 برای گروهی که تفکر می کنند» <sup>(۱)</sup>

خداوند در این آیه می فرماید : «دیگر از نشانه های خدا  
 این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در  
 کنار آنها آرامش یابید» و از آنجا که ادامه این پیوند در میان  
 همسران خصوصاً و در میان همه انسان ها عموماً ، نیاز به یک  
 جاذبه و کشش قلبی و روحانی دارد به دنبال آن اضافه می کند :  
 «و در میان شما مودت و رحمت قرار داد» .

جالب اینکه قرآن در این آیه هدف ازدواج را سکونت و

آرامش قرار داده است و با تعبیر پرمعنی «لَتَسْكُنُوا» مسائل بسیاری را بیان کرده است و نظیر این تعبیر در آیه ۱۸۹ سوره اعراف نیز آمده است .

به راستی وجود همسران با این ویژگی‌ها برای انسان‌ها که مایه آرامش زندگی آن‌ها است یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می‌شود ، این آرامش از اینجا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می‌باشند به طوری که هریک بدون دیگری ناقص است و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته است و همچنین این آرامش و سکوت هم از نظر جسمی است و هم از نظر روحی ، هم از جنبه فردی و هم اجتماعی .

هنگامی که انسان از مرحله تجرد گام به مرحله زندگی می‌گذارد شخصیت تازه‌ای در خود می‌یابد و احساس مسئولیت بیشتر می‌کند و این است معنی احساس آرامش در سایه ازدواج .

و اما مسأله «مودت» و «رحمت» ، در حقیقت ملاط و چسب مصالح ساختمانی جامعه انسانی است چراکه جامعه از فرد فرد انسان‌ها تشکیل شده ، اگر این افراد پراکنده و آن اجزاء مختلف با هم ارتباط و پیوند پیداکنند جامعه‌ای به وجود نخواهد آمد.

فرق میان «مودت» و «رحمت» ممکن است از جهات مختلف باشد.

۱- «مودت» انگیزه ارتباط در آغاز کار است ، اما در پایان یکی از دو همسر ممکن است ضعیف و ناتوان گردد و قادر بر خدمتی نباشد «رحمت» جای آن را می‌گیرد .  
 ۲- «مودت» در مورد بزرگترها است که می‌توانند نسبت به هم خدمت کنند اما کودکان و فرزندان در سایه «رحمت» پرورش می‌یابند .

۳- «مودت» غالباً جنبه متقابل دارد ، اما «رحمت» یک جانبه و ایثارگرانه است ، زیرا برای بقاء یک خانواده خدمات متقابل لازم است که سرچشمه آن «مودت» است و گاه

خدمات بلاعوض که نیاز به ایشار و «رحمت» دارد . البته خداوند آیه «مَوَدَّتْ» و «رَحِمَّتْ» را میان دو همسر بیان می‌کند و اشاره دارد که خانواده بدون این دو اصل امکان‌پذیر نیست و از میان رفتن این دو پیوند و حتی ضعف و کمبود آن ، مایه هزاران بدبختی ، ناراحتی ، اضطراب در خانواده و جامعه است .

### از دواج ضامن بقای نسل انسان صالح

« نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ :

زنان شما موضع کشت شمایند پس هرگاه که خواستید می‌توانید با آنها آمیزش نمائید و برای خودتان پیش فرستید و تقوا بورزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنین بشارت رحمت ده» (با تربیت فرزند خوب اثر نیکی برای

خود از پیش بفرستید).<sup>(۱)</sup>

در این آیه زنان تشبیه به مزرعه شده‌اند و در حقیقت موقعیت زنان مانند زراعتی است که احتیاج به زمین مساعد و بذر سالم و آبیاری به موقع دارد تا بهره بدهد و در حقیقت قرآن می‌خواهد با این بیان ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی مجسم کند که زن فقط وسیله اطفاء شهوت نیست، بلکه وسیله‌ای است برای حفظ حیات نوع بشر. همانطور که انسان برای ادامه زندگی به تغذیه نیاز دارد و بدون کشت و زرع مواد غذایی حیات او تأمین نمی‌شود، برای ادامه نوع خود نیز نیازمند به وجود زن است. «حَرْث» مصدر است و به معنی بذرافشانی است و گاهی به محل زراعت که «مزرعه» می‌باشد اطلاق می‌شود. «أُنْثَى» از اسماء شرط است و غالباً به معنی «مَتَى» که به معنی زمان است استعمال می‌شود و گاهی به معنی کلان هم

استعمال می‌شود. از کلمه «أَنْتِ» اگر زمانیه باشد توسعه در زمان آمیزش جنسی با زنان استفاده می‌شود که شامل تمام ساعات شب و روز می‌گردد یعنی آمیزش جنسی در هر ساعتی مجاز است و اگر مکانیه باشد، منظور توسعه در مکان و محل و چگونگی آمیزش است.

جامعه اسلامی برای بقای نوع و نسل محتاج به زنان است زیرا که خداوند تَكُونُ انسان و مَصَوِّرُ شدن او را در رحم زنان مقرر نموده و مردان را جزئی از آن قرار داده و هدف از ازدواج و آمیزش جنسی تنها لذت و کامجویی نیست بلکه باید برای ایجاد و پرورش فرزندان شایسته استفاده نمود تا وسیله‌ای برای یاد خدا و ذکر او باشد و فرزندان صالح کارهای نیک انجام دهند و خیر و ثوابش عاید خود و پدر و مادر خود باشد. پس منظور از «قَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ» پیش فرستادن عمل صالح برای قیامت است. در آخر آیه توصیه به تقوی می‌نماید: در آمیزش هم باید رعایت تقوی بشود و از حدود و مقررات آن تجاوز



نمایند و بدانند که سرانجام کار در قیامت با خداوند است و مؤمنین را بشارت دهند به پاداش اعمال نیکشان . در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که فرمود : «هنگامی که انسان بمیرد برنامه عمل وی نیز تمام می شود و دیگر نمی تواند پس اندازی برای خویش تهیه کند مگر به وسیله سه چیز که اگر آنها را داشته باشد پس از مرگ برای او نتیجه بخش خواهد بود. «صدقۀ جاریه» آثار خیری که در مجرای منافع اجتماعی همواره به کار گرفته شود . همچون مسجد ، مدرسه ، بیمارستان و مانند آن ، «آثار علمی» چون تألیفات کتاب و یا پرورش شاگرد. «پرورش فرزندان صالح» که برای پدر و مادر خود با عمل و سخن طلب آموزش کنند.» بنابراین می توان نتیجه گرفت که ثمره اصلی ازدواج ، داشتن فرزندان صالح است و تمام لذایذ طبیعی و پاداش اخروی و انس و محبت ها در میان زن و شوهر، برای تحمّل تربیت و تولید فرزندان استوار است و لذا روایات اسلامی پیروان خود را برای تزویج با افراد زیاد تشویق نموده اند .

مسولای علی علیه السلام از پیامبر خدا نقل می‌کند که فرمودند: «هرکس دوست دارد پیرو آئین من باشد بدانند که ازدواج جزئی از آئین من است سعی کنید که به وسیله ازدواج بچه دار شوید زیرا در میان سایر امت‌ها، به زیادی پیروانم مباحثات می‌کنم».<sup>(۱)</sup>

### آثار دنیوی ازدواج

ازدواج علاوه بر اینکه تکلیف دینی و سنت الهی و نبوی است ثمرات و میوه‌های شیرین نیز دارد، یک انسان متأهل علاوه بر تعبد و پیروی از دستورات الهی با ازدواج خویش سعادت‌مند شده و از مرز انزوا و تجرد به کانون اجتماع و مسئولیت قدم می‌گذارد و متقابلاً از سوی دیگران و اجتماع مردم اعتبار و ارزش بیشتری کسب می‌کند و مورد احترام و استقبال سایر انسان‌ها قرار می‌گیرد. عاطفه انسان دوستی و به

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۳.

ویژه عواطف پدر و مادری در چنین فردی شکوفا می‌شود و هرگاه یک موضوع ناراحت‌کننده و یا احیاناً انحرافی پیش آید به کانون مقدس خانواده پناه می‌برد و با اعصابی آرام و آرامش خاطر به کار خود می‌پردازد.

بنابراین ضرورت ازدواج بر تمام انسان‌ها که غریزه خود را از بین نبرده و اهل فحشاء نمی‌باشد معلوم است. امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند: «که جوانی به محضر مبارک رسول خدا آمده و از فقر شکایت کرد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به عنوان چاره‌جویی فرمود: برو ازدواج کن. یکی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله، آن جوان را دیده و گفت: من دختر زیبایی دارم و می‌خواهم او را بر تو تزویج کنم و آن جوان نیز سفارش رسول خدا را جامه عمل پوشانید و خداوند نیز در روزی او گشایش عجیبی فراهم کرد»<sup>(۱)</sup>.

همچنین رسول خدا دستور می‌دهند که با ازدواج کردن و

۱- شرح من لا یحضر، جلد ۸، صفحه ۸۴.

تشکیل خانواده ، گشایش روزی و توسعه زندگی خود را  
فراهم سازید.<sup>(۱)</sup>

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است:  
«دیدار و برخورد به نامحرم از کارهای شیطان است ،  
هرکس نگاهش به نامحرم افتاد و تأثیر پذیرفت به سراغ  
همسرش برود».<sup>(۲)</sup>

این نشان می‌دهد که مرد در مواقع تحریک باید همسری  
داشته باشد تا آرامش خاطر خود را حفظ کند .  
از این چند حدیث نتیجه می‌گیریم که آرامش خاطر و  
تلاش در اجتماع و اعتماد مردمی و گشایش روزی و  
فرزندان صالح از آثار دنیوی ازدواج است .

۱- سفینة البحار ، صفحه ۵۶۱ .

۲- فروع کافی ، جلد ۵ ، صفحه ۴۹۴ .

### آثار اخروی ازدواج

علاوه بر آثار دنیوی ازدواج که فرزندان صالح شاخص‌ترین آنها است از نظر معنوی نیز این عمل خداپسندانه مورد توجه می‌باشد، ازدواج انسان را از گناهان بازداشته و عامل تقرّب در پیشگاه خداوند است این سنت نبوی پاداش عبادت را دو چندان نموده و خود نیز از بهترین طاعات الهی محسوب می‌گردد.

رسول خدا می‌فرماید: هرکس دوست دارد عاقبت به خیر باشد و با ایمان کامل و با دلی پاک از دنیا برود حتماً باید متأهل باشد.<sup>(۱)</sup>

همچنین می‌فرماید: «بیشترین افراد اهل آتش، مجردها هستند».<sup>(۲)</sup>

---

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۴.

۲- روضة المتقین، جلد ۸، صفحه ۸۶.

همچنین می‌فرماید: «پاداش دو رکعت نمازی که شخص متأهل انجام می‌دهد، از هفتاد رکعت نماز شخص مجرد بالاتر است».<sup>(۱)</sup>

از این احادیث به دست می‌آید که ازدواج موجب مصونیت از ارتکاب به گناه و تحصیل رضا و قرب درگاه الهی است.

### ازدواج بر پایه ایمان و اخلاق

همسر موجودی است عاطفی که انسان تصمیم می‌گیرد یک عمر زندگی مشترک با وی را آغاز کند و اسرار بیرونی و درونی زندگی خویش را در اختیار او بگذارد و آن چنان روابط نزدیکی با وی پیدا کند که تشبیه آن در کسی متصور نیست و لذا در هنگام ازدواج باید متوسل به خدا شده و از وی استمداد نمود و علاوه بر آن سزاوار است که از هیجان‌زدگی و ذوق‌زدگی و از هوی و هوس در انتخاب همسر کاملاً اجتناب

۱- جواهر الکلام، جلد ۲۹، صفحه ۱۲.

نموده و با پدر و مادر و افراد دیندار در این زمینه مشورت کند و صفات همسر، به ویژه دیانت و فرهنگ و اخلاق او را در نظر بگیرد و آنگاه به این امر مقدس اقدام نماید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هرگاه کسی از شما قصد ازدواج کرد سزاوار است دو رکعت نماز بخواند و خدا را بخواهد که همسری عقیف و امین، با دیانت و متواضع و حافظ ناموس، نصیب وی کند».<sup>(۱)</sup>

رسول خدا می‌فرماید: «هرگاه خواستگاری به سراغ شما آمده که دارای "دیانت و اخلاق" نباشد، او را رد کنید و الا فتنه و فساد روی زمین را فرا می‌گیرد».

### ازدواج بر پایه مادیات و شهوت

ازدواج بر اساس هوس، جاه‌طلبی، مال‌اندوزی و غیره معمولاً نتیجه‌اش ندامت و پشیمانی است زیرا این قبیل

ازدواج‌ها بر مبنای غرض‌های غیرمنطقی و بدون ریشه صورت می‌گیرد و موقع برخورد با کوچک‌ترین مانعی از هم می‌پاشد.

رسول خدا می‌فرماید: «هنگامی که مردی با زنی به جهت ثروت و زیبایی‌اش ازدواج کند، از آن بهره‌مند نمی‌شود اما اگر ازدواج بر اساس دین و تقوا بوده باشد، خداوند مال و زیبایی نیز به وی عطا می‌فرماید زیرا در سایه دین و کمالات معنوی رضایت و خشنودی شوهرش را فراهم می‌سازد».<sup>(۱)</sup>

و همچنین می‌فرماید: «کسی که با زنی به جهت مال و منالش ازدواج کند، خداوند او را به آن ثروت واگذار می‌کند و هرکس به جهت زیبایی زن با وی زناشویی کند، سرانجام پشیمان گردد اما اگر دیانت و تقوای کسی را در نظر بگیرد، خداوند همه این‌ها را به وی مرحمت می‌فرماید».<sup>(۲)</sup>

۱- روضة المتقین، جلد ۸، صفحه ۱۱۴.

۲- جواهرالکلام، جلد ۲۹، صفحه ۳۲.



از این احادیث نتیجه می‌گیریم که ازدواج بر پایهٔ مادیات و شهوات، در صورتی که دیانت و تقوا و اخلاق اسلامی بر آنان حاکم نباشد، بدون تردید نتیجه‌اش ندامت و پشیمانی خواهد بود.

### پیش از انتخاب همسر چه باید کرد؟

چون مسألهٔ «ازدواج» یک موضوع حساس و سرنوشت‌ساز است و در زندگی هرکس جنبهٔ بنیادی دارد لذا اشخاص اقدام‌کننده به این امر مقدّس، وظیفه دارند از پیشگاه خداوند استمداد جسته و با دعا و نیایش و توکل بر الطافت الهی در انتخاب همسر دقت کافی به خرج دهند.

امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «پیوسته انواع بلاها و مشکلات خویش را پیش از وقوعش از طریق دعا و نیایش پیشگیری نمائید و شکی نیست که همسر نامطلوب از دردناک‌ترین مصیبت‌ها و بلاها به شمار می‌آید و بالعکس، همسر صالح و شایسته از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است و

هیچ موهبتی از نعمت‌های دنیوی به پای آن نمی‌رسد».<sup>(۱)</sup>  
 از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است که: «هنگامی که اراده ازدواج نمودید، ابتدا دو رکعت نماز خوانده و سپس حمد و سپاس الهی بگویید و آن‌گاه دست به دعا برداشته و بخوانید: خدایا! من اراده ازدواج دارم، همسری را برایم روزی کن که از نظر عفت عمومی خویشتن دار باشد و ناموس و مالم را حفظ کند، روزی او فراوان و برکتش عظیم باشد، ای خدا! از وی فرزندی پاکیزه برایم روزی فرما که در طول حیات و پس از مرگم جانشین صالحی برای من گردد».<sup>(۲)</sup>

### هم‌کفو بودن در ازدواج

هم‌کفو بودن دو همسر، یعنی: تناسب، همتایی، هماهنگی، همسانی، سنخیت، کفایت و هم‌طرازی بین دختر و پسر و به اصطلاح با هم جور درآمدن زن و شوهر.

۱- فروع کافی، جلد ۵، صفحه ۳۲۷.

۲- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۷۹.

ازدواج نوعی «ترکیب بین دو انسان و دو خانواده» است. زندگی مشترک یک پدیدهٔ مرکب است که اجزای اصلی و اساسی آن «زن و مرد» می‌باشد هر قدر بین این دو عنصر، هماهنگی، همفکری، تناسب و سنخیت روحی و اخلاقی و جسمی باشد این «ترکیب» استوارتر، مستحکم‌تر، پرنرم‌تر، شیرین‌تر، لذت‌بخش‌تر و جاودانه‌تر خواهد بود و هرچه این تناسب و هماهنگی کمتر باشد زندگی سست‌تر، تلخ‌تر، ناپایدارتر خواهد بود.

دو انسانی که در کنار هم قرار می‌گیرند و می‌خواهند یک عمر با هم زندگی کنند و در همهٔ امور شریک باشند و تصمیم‌های مشترک بگیرند و فرزندان را به وجود آورند و تربیت کنند و به سعادت برسانند، حتماً باید هماهنگ و هم‌سنخ و کفو هم باشند.

متأسفانه در مسألهٔ «انتخاب همسر» معمولاً به «خوب بودن عرفی» اکتفا می‌شود و به «هم‌کفو بودن» دختر و پسر، توجه کمتری می‌کنند و حال آنکه محور معیارهای

انتخاب همسر ، همین «همتایی» است .

توجه!

همتایی و هماهنگی و تناسب صددرصد ، امکان ندارد ؛ زیرا هر «انسانی» دارای مغز ، روح ، اخلاق ، تربیت ، محیط و خانواده مخصوص به خود است و با دیگری فرق و فاصله دارد اما باید کوشش کرد هرچه قدر ممکن است این فاصله کمتر باشد.

همان‌طور که خداوند در قرآن مجید فرموده :

« إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً : همانا انسان

حریص و بی صبر خلق شده. »<sup>(۱)</sup>

و از سویی اگر به انسان شرّ و زیانی رسد سخت

بی‌قراری می‌کند کما اینکه خداوند فرمود :

« إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً :<sup>(۲)</sup>

از آنجائی که انسان‌های معمولی مثل ما ، نمی‌توانند

۲- ۲۰ / معارج .

۱- ۱۹ / معارج .

همچون بزرگان دین و اولیای الهی در برابر سختی‌ها و ناملايمات تحمّل داشته باشند، از این رو عجزلانه تصمیم گرفته و اقدام می‌کنند و در اطراف اهداف خودشان به درستی فکر نمی‌کنند و در نتیجه ، ممکن است عواقب غیرقابل جبرانی اتفاق بیافتد و آنها را از هیئز زندگی ساقط سازد . در مورد خانواده نیز این قاعده ، صادق است و این طور نیست که همه بتوانند در مقابل ناملايمات زندگی دوام بیاورند و اگر آمار طلاق را در سال‌های اخیر مطالعه کنیم این گفتار تصدیق خواهد شد .

برای همین منظور به داستانی در رابطه با حضرت نوح استناد کنیم .

در روایت آمده است که حضرت نوح علیه السلام مستجاب الدعوه بوده است یعنی خداوند متعال هر دعایی را که حضرت نوح می‌کرد فوراً اجابت می‌نمود ، او همسری بدخلق و بدزبان داشت و با زخم زبان‌هایی که می‌زد ، دائم آن حضرت را ناراحت می‌کرد . اصحاب و هواداران آن حضرت به او گفتند :

«یا نوح تو که مستجاب الدعوه هستی چرا همسرت را نفرین نمی‌کنی تا خداوند او را نابود ساخته تا از دست او آسوده خاطر باشی؟» حضرت در پاسخ فرمود: «اگر من مستجاب الدعوه شدم به خاطر صبری است که در بدی‌های همسرم داشتم».

با نقل این داستان کاملاً مشخص می‌شود سختی‌های زندگی، که برخی واقعاً کمر شکن و غیرقابل تحمل است مثل همین داستان، ایمان را سبب می‌شود تا انسان بتواند باگذشت فراوان درحقیقت با اینار زندگی کفۀ ترازو را متعادل سازد.

و مراد از مطرح کردن این مسائل پیشگیری از این حوادث می‌باشد پس باید قبل از ازدواج به موارد زیر دقت شود تا اینکه دست بسته، تسلیم نامرادی‌های زندگی نشویم.

#### **ذکر مصادیقی از هم‌کفو بودن در عصر کنونی**

از جمله عوامل هم‌کفو بودن، چه از لحاظ شرعی و چه از لحاظ اخلاقی، عرفی و منطقی عبارتند از:

## ۱ - همتایی در ایمان

ایمان یکی از ارکان مهم قوام و دوام زندگی محسوب می‌شود و با وجود ایمان واقعی، بسیاری از مشکلات از میان می‌رود، چراکه مؤمن باور دارد با صبر، پیش خداوند مأجور بوده و این ایثار و گذشت بی‌پاداش نخواهد ماند. اینجا است که باید تا می‌توانیم اعتقاداتمان را نزدیک ساخته و با تقرب آن درک بیشتر نسبت به همدیگر ایجاد خواهد شد.

فرض کنیم دو زوج به خاطر مشکلات اقتصادی با هم اختلاف داشته باشند، زن به خاطر چشم و هم‌چشمی، از شوهرش بیش از توان مالی او درخواستی را داشته باشد و او را در فشار قرار دهد و از او بخواهد به هر نحو ممکن خواسته او را اجابت کند و شوهر با منطق به او یادآوری کند و بگوید: «اگر من خواسته تو را برآورده کنم لازمه اش تجاوز به حقوق دیگران و غصب مال دیگری است و سرانجام این کار دخول در آتش جهنم خواهد بود، با این منطق اگر زن معتقد به خدا

و روز جزا باشد، نصیحت دلسوزانه شوهر در او تأثیر گذاشته و او نفس سرکش را در جای خود خواهد نشانید . پس با یکی شدن اعتقاد ، این مشکل برطرف شد اما اگر خدای ناکرده این اعتقاد درهمسر نبود یکی از دو کار، باید صورت بگیرد ، یا باید دعوا به راه افتد و با مرافعه ، زندگی را تلخ نمود و این اختلاف ممکن است سرانجام به طلاق منجر شود و یا این که به خواسته همسر تسلیم شود و معلوم است عاقبت این اطاعت او را به دزدی و غصب مال دیگری و نهایتاً، به ظلم خواهد کشاند که نتیجه این کار در دنیا زندان و حبس و آبروریزی و در صورتی که توبه نکرده باشد در آخرت ، عذاب الهی است .

از این سخن ، نتیجه می‌گیرم که تفاهم اعتقادی زوجین و ایمان آنها ، نقش ارزنده‌ای در رفع موانع و مشکلات زندگی زناشویی ایفا می‌کند .

## ۲- همتایی در سن

اصولاً هرچه سن به هم نزدیک‌تر باشد تفاهم بیشتر خواهد بود به طور مثال دو بچه هنگامی که بازی می‌کنند



هرچه سن آن‌ها به هم نزدیک‌تر باشد از بازی بیشتر لذت می‌برند و در صورتی که این بچه نتواند با هم سنّ خود بازی کند در طول زمان از بازی کردن خسته شده و با بهانه‌های مختلف اسباب ناراحتی اطرافیان را فراهم می‌کند .

و این چنین است در سایر موارد مثل دوست هم سن ، از آنجایی که عواطف و سلیقه‌ها و درک انسان‌ها متفاوت است در صورتی که تفاوت سنی زیاد باشد این اختلاف سلیقه‌ها بیشتر نمود خواهد کرد و احتمال مصالحه کمتر خواهد بود از این رو در صورت مراعات نکردن این قاعده تفاهم و همگونی نیز مشکل خواهد بود و لوی اینک ممکن است در چند مورد محدود ، این تفاهم خیلی بیشتر بوده باشد .

علاوه براینکه تفاوت سنی زیاد در زندگی زوجین ، در صورتی که ازدواج تحمیلی باشد اثرات نامطلوبی دارد، در نگاه عرف و جامعه نیز تأثیر داشته و آنها را به طور غیرمستقیم به دخالت در امور خانواده‌ها و ادار می‌سازد .

تناسب سنی که مورد قبول روان‌شناسان و عرف می‌باشد و عقل نیز به آن مهر تأیید زده با مقایسه

سن تکلیف دختر در اسلام که نه سالگی است و پسر که پانزده سالگی است «۶ سال» می‌باشد یعنی از آنجایی که دختر شش سال زودتر بالغ می‌شود بهتر است پسر چندسالی از دختر بزرگ‌تر باشد.

البته اختلاف سن مرد با زن یکی از شرایط ایجاد ازدواج مطلوب است نه همه آن. لذا در مواردی ممکن است سن زن و مرد هنگام ازدواج یکسان و یا زن از مرد بزرگ‌تر بود و این طبق توافق زن و مرد صورت گرفته و مشکلی نیز به همراه نداشته باشد. طبعاً رعایت دیگر شرایط و محاسن ازدواج مطلوب می‌تواند این نقص را بپوشاند.

### ۳- همتایی در دانش

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که در بهتر شدن زندگی مشترک مؤثر است همتایی در دانش است به این معنی که در انتخاب همسر آینده دانش و علم او را نیز لحاظ کنیم و اینجا دو سؤال پیش می‌آید:

۱- نقش سواد و دانش در سرنوشت انسان چقدر است؟

۲ - آیا بهتر است همسری که انتخاب می‌کنیم با سواد باشد یا فرق نمی‌کند؟

مردم عوام ، بی‌سوادی را مانند کوری می‌پندارند یعنی همان‌گونه که انسان‌های کور از دیدن یک سلسله واقعیات خارجی محروم‌اند اشخاص بی‌سواد نیز از درک بعضی از واقعیات عاجزند یعنی اگرچه دوست دارند آن واقعیات را درک کنند اما چون درک آن به علم و دانش بستگی دارد لذا محروم‌اند و برای اینکه بتوانند درک کنند باید باسواد شده و از طریق علم آن واقعیات را لمس کنند .

قرآن کریم نیز با این استناد که خود مردم نیز بین عالم و جاهل فرق می‌گذارند می‌فرماید :

« ... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ : ... یعنی آیا آنهایی که می‌دانند با آنهایی که نمی‌دانند یکسان هستند تنها خردمندان متذکر می‌شوند و همچنین پرواضح است که فرق علم با جهل ، مثل فرق نور با

ظلمت و تاریکی است».<sup>(۱)</sup>

خداوند متعال می‌فرماید :

« ... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي

الظُّلُمَاتُ وَ النُّورُ : ... ای پیامبر - به مردم - بگو آیا کور و

نابینا، با بینا یکی است و آیا تاریکی‌ها با نور یکی است».<sup>(۲)</sup>

همان‌طور که مشاهده می‌شود قرآن مجید مثل

علم و جهل را، مثل نور و ظلمت می‌داند و پند و

درک را در سایه علم می‌داند.

البته مراد از علم آن علومی است که در راه تکامل و رشد

انسانی به کار گرفته شده باشد ، مثل علم انرژی هسته‌ای

که در نیروگاه برق مورد استفاده قرار گرفته و در راستای

سعادت بشر می‌باشد اما همین علم در صورتی که جهت

ساخته شدن بمب اتمی به کار گرفته شود از

بدترین علوم خواهد بود و همچنین است سایر علوم.

ما از دو راه می‌توانیم به چیزهایی که نمی‌دانیم  
آگاهی پیدا کنیم:

اول اینکه: آنچه که در محیط خارج وجود دارد ببینیم و  
اسم آنها و رابطه‌ی ما بین آنها را پرسیده و به خاطر بسپاریم و  
این علمی است که به مرور زمان بشر از اطرافیان خود آموخته  
است. نحوه‌ی خوردن، خوابیدن، پوشیدن، راه رفتن و صدها  
کار دیگر را می‌توان از این قبیل علوم دانست.  
دوم اینکه: انسان علاوه بر علم به ضروریات، علاقه‌مند  
دانستن و فهمیدن چیزهایی می‌باشد که در قبل از او بوده و یا  
نخواهد بداند ماورای این جهان چه خبر است. دانستن این  
قبیل موضوعات احتیاج به داشتن سواد است. چراکه بدون  
سواد امکان فهمیدن مسائل گذشته وجود ندارد و در مورد  
ماورای ماده نیز نیاز به سواد داریم و هر چه سواد و دانش  
بیشتر باشد بیشتر می‌توان مجهولات را درک کرد و بر  
آنها فائق شد.

از جمله موضوعات ضروری برای زندگی مشترک، سواد

و دانش زندگی است و معلوم است که همه چیز را نمی‌شود به تجربه واگذار نمود یعنی نمی‌شود گفت: «حالا این کار را هم انجام دهیم اگر نتیجه مطلوبی داد چه بهتر و اگر نه، دیگر آن را انجام نمی‌دهیم» چون تجربه کردن چیزی، شاید سال‌ها وقت ببرد و چه بسا هیچ وقت نتوان از تلخی حتی یک تجربه بیرون آمد. اینجاست که باید از تجارب و اندوخته‌های دیگران استفاده نمود و آن هم به تنهایی کافی نیست.

پس ما می‌توانیم به وسیله دانش و با مطالعه در اطراف انواع زندگی و حالات اشخاص، زندگی خوب را انتخاب کنیم و با اجرای آن سرنوشت خود را رقم بزنیم.

همانطور که قبلاً گفته شده یکی از اهداف ازدواج، تداوم نسل می‌باشد و خوبی یا بدی نسل آینده به طور مستقیم به خوبی و بدی نسل حاضر، بستگی دارد و در صورتی که نسل حاضر با بینش و توان علمی مناسب به تربیت فرزندان خود بپردازد، فرزندان پربار و دارای فرهنگ غنی تحویل جامعه خواهد داد و راه تعقل و تفکر انسان را برای دستیابی به زندگی

بهتر و جامعه متعالی باز نموده و در نتیجه انسان‌ها یکی پس از دیگری بهتر خواهند شد .

با این بیان نتیجه می‌گیریم که سواد و دانش همسر آینده - زن یا مرد - در باروری خوب فرزندان ، تأثیر مثبت دارد به همین جهت بهتر است که در انتخاب همسر ، میزان سواد او را نیز به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم لحاظ نمود و این ویژگی در زن و مرد ، هرچه بیشتر باشد نتیجه بهتری خواهد بخشید . اما ممکن است کسانی بگویند : «مرد اگر باسواد باشد بهتر است اما زن اگر بی‌سواد باشد اطاعتش از شوهر بیشتر خواهد بود» .

در پاسخ به این‌گونه افکار ، ابتدا چند روایت را در مورد دانش بررسی می‌کنیم .

اول: روایتی است که از پیامبر اکرم نقل شده که فرمودند:

« طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ لِكُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ : یعنی فراگیری

دانش برای هر زن و مرد مسلمانی واجب است» (۱).  
دوم ، روایتی است که از حضرت محمد ﷺ نقل شده که فرمودند:

«الْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ وَالْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ: دانش رأس تمام کارهای خیر است و نادانی رأس تمام بدی‌ها است» (۲).

سوم: روایتی از مولای متقیان حضرت علی عَلِيٌّ که فرمود:  
« لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا : جاهل و نادان را در کارها نمی‌بینی یا افراط کارند یا تفریط کار» .  
حال اگر غرض ما از زندگی فریفتن مردم باشد پرواضح است که بی‌سوادی اشخاص در رسیدن به اهداف پلید ، آنها را یاری خواهد کرد . چون مردم نادان زود فریب خورده و زود منحرف می‌شوند .

۱- بحارالانوار ، جلد ۱ ، صفحه ۱۷۷ .

۲- الحیوه ، جلد ۱ ، صفحه ۵۲ .



اما اگر هدف ، زندگی خوب و همراه با آسایش و تفاهم باشد باید همسری باسواد و بادانشی را انتخاب کرد زیرا که کسب دانش وظیفه هر مسلمان اعم از زن و مرد است و تمام خیر و برکت و سعادت ، دانش است و برعکس تمام شر و بدی از جهل سرچشمه می‌گیرد پس این طرز فکر که همسر بی سواد بهتر است باطل و مردود می‌باشد .

#### ۴- همتایی فکری و فرهنگی

تفاهم و توافق فکری و فرهنگی میان دو همسر در زندگی مشترک نقش اساسی دارد ، برای ایجاد یک زندگی پویا و پربار باید معماران این کانون بتوانند یکدیگر را درک نموده و مکنونات و محتویات درونی خود را به هم تفهیم کنند و در بسیاری از مسائل ، تصمیم مشترک و یکسان گرفته و بر مبنای آن عمل کنند و در نشیب و فرازهای زندگی یاور هم باشند و فرزندانشان را بر اساس یک طرح هماهنگ تربیت کنند .

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند :

« أَلْعَارِفَةُ لِأَتَوْضَعُ إِلَّا عِنْدَ الْعَارِفِ : زن عارفه (فهمیده

فرزانه) باید در کنار مرد عارف (فهمیده اهل معرفت) قرار گیرد نه غیر آن.

### ۵- همتایی اخلاقی

هماهنگی و تناسب اخلاقی، از مهم‌ترین موارد کفایت و همتایی بین زن و شوهر است.

با توجه به این نمونه که:

«زیدبن حارثه» پسر خوانده رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با «زینب» دختر عمه پیامبر ازدواج کرد. این زن و شوهر از نظر «تدبیر و ایمان» در مقام بالایی قرار داشتند؛ اما از جهت «اخلاقی» با هم تفاهم نداشتند و اختلاف و نزاع شدیدی بر زندگی آنها حاکم بود. رسول خدا بارها آنها را نصیحت و سفارش به تفاهم و سازش نمود. اما این «زوج جوان» توان تحمل یکدیگر را نداشتند. سرانجام خداوند وساطت فرمود و آنان را به وسیله طلاق از هم جدا کرد!

در اینکه هر دوی این زن و شوهر، انسان‌های شایسته‌ای بودند، تردیدی نیست، در شایستگی «زید» همین بس که

رسول اکرم او را به عنوان فرزند خود برگزیده بودند و گاهی او را با لفظ «زید الحبيب» صدا می‌زدند و در شایستگی «زینب» نیز همین بس که خود خداوند عقد او را برای پیامبر خواند و او را به همسری پیامبرش درآورد.

گوشه‌ای از این داستان در قرآن چنین آمده است:

« وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا : به

خاطر بیاور زمانی را که به کسی که خداوند به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی می‌گفتی همسرت را نگاه‌دار و از خدا بپرهیز (و پیوسته این امر را تکرار می‌نمودی) و تو در دل چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار می‌کند و از مردم می‌ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی، هنگامی که زید از همسرش جدا شد ما او را به

همسری تو در آوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسرخوانده‌های آن‌ها هنگامی که از آنان طلاق گیرند نباشد و فرمان خدا انجام شدنی است»<sup>(۱)</sup>. نتیجه می‌گیریم که تنها «متدین بودن زن و شوهر» برای ایجاد یک زندگی موفق و در تمام موارد، کفایت نمی‌کند بلکه بررسی جنبه‌های دیگر نیز لازم است.

#### ۶- همتایی جسمی و جنسی

«توازن و تناسب جسمی و جنسی» در زندگی همسران، نقش بسیار مهمی دارد. مسائل جنسی، یکی از ارکان اصلی و بنیادین «زندگی زناشویی» است.

«اشباع و ارضاء و رضایت جنسی» زن و شوهر از هم، تأثیر عمیقی در موفقیت زندگی دارد. اگر یکدیگر را از این جهت اشباع و راضی کنند، سپاسگزار هم خواهند بود و با «دلگرمی» به وظایف و مسئولیت‌های خود عمل خواهند کرد

و مشکلات زندگی را تحمل خواهند کرد ، اما اگر در این مورد ناراضی باشند ، از هم متنفر می‌شوند و از انجام مسئولیت‌های زندگی «دلسرد» می‌گردند.

این نکته بزرگی است که متأسفانه در بسیاری از موارد ، آن را کوچک می‌شمارند یا نادیده می‌گیرند و یا با «خجالت» و «رودربایستی» از آن می‌گذرند و بعد ، ضربه‌های سهمگینش را می‌خورند .

اگر یکی از دو همسر ، از نظر جسمی و جنسی ، قوی و «گرم مزاج» و دیگری ضعیف و «سرد مزاج» باشد در بسیاری از امور زندگی شان خلل وارد می‌شود و احتمال فساد و انحراف ، بسیار قوی است و این عدم تناسب و توازن به اعصاب و روان آنان نیز لطمه می‌زند.

اگر مردان یا زنان همسر داری را می‌بینیم که مرتکب فساد جنسی و رابطه نامشروع با بیگانه شده‌اند ، قضیه را ریشه‌یابی کنیم درمی‌یابیم که ریشه بسیاری از این موارد (نه همه آنها) در «نارضایتی و عدم اشباع جنسی توسط همسر» می‌باشد.

با توجه به نمونه که در قرآن بیان شده:

« فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكِنًا  
 وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا  
 رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ  
 هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ : هنگامی که (همسر عزیز) از فکر  
 آن‌ها باخبر شد به سراغ آن‌ها فرستاد (و از آن‌ها دعوت  
 کرد) و برای آن‌ها پشته‌های گرانقیمتی فراهم  
 ساخت و به دست هرکدام چاقویی (برای بریدن میوه)  
 داد و در این موقع (به یوسف) گفت وارد مجلس آنان شو ،  
 هنگامی که چشمشان به او افتاد در تعجب فرو رفتند و  
 (بی اختیار) دست‌های خود را بردند و گفتند منزه است  
 خدا این بشر نیست ، این یک فرشته بزرگوار است .»

« قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ زَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ  
 فَاسْتَعْصَمَ وَ لَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا ءَأْمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَ لَيَكُونَأ مِن  
 الصُّفْرِينَ : (همسر عزیز) گفت: این همان کسی است که  
 به خاطر (عشق) او مراسم زنش کردید (آری) من اورابه

خویشتن دعوت کردم و او خودداری کرد و اگر آنچه را دستور می‌دهم انجام ندهد به زندان خواهد افتاد و مسلماً خوار و ذلیل خواهد شد»<sup>(۱)</sup>.

همسر عزیز گویا می‌خواست به آن‌ها بگوید شما که با یکبار مشاهده یوسف، این چنین عقل و هوش خود را از دست دادید و بی‌خبر دست‌ها را بریدید و محو جمال او شدید و به ثنا خوانیش پرداختید، چگونه مرا ملامت می‌کنید که صبح و شام با او می‌نشینم و برمی‌خیزم؟

یکی از علت‌های عمده انحراف «زلیخا» و تمایل او به حضرت یوسف «ناتوانی جنسی» شوهرش بود! به هر حال، در «انتخاب همسر» حتماً باید توجه داشت که دختر و پسر از نظر جسمی و جنسی «کفو» باشند، یکی از آنان قوی‌البنیه و آتشین مزاج و نیرومند نباشد و دیگری ضعیف‌الجثه و سرد مزاج.

بلکه با هم «سنخیت جسمی و جنسی» داشته باشند تا بتوانند یکدیگر را اشیاع و راضی کنند. و همچنین، بر همسران لازم است در این امور، معلومات ضروری داشته باشند و از افراد آگاه به این مسائل کسب معلومات کنند. و اگر با مشکلی مواجه شدند، با آنان مشورت کنند.

با توجه اینکه: یکی از علت‌های «ناتوانی‌های جنسی» بیماری‌های عصبی و روانی می‌باشد که در هر ناتوانی جنسی و ناتوانی در اشیاع همسر باید درصدد درمان آن بیماری برآمد و با روان‌پزشک و روان‌شناس ماهر در میان گذاشت.

#### ۷- هم‌تایی سیاسی

تناسب سیاسی یعنی اینکه معتقدین و طرفداران یک نظام و تفکر سیاسی بهتر است با افراد و خانواده‌های موافق همان نظام و تفکر سیاسی ازدواج نمایند.

#### ۸- هم‌تایی روحی و روانی

یکی از موارد شرط هم‌تایی «هماهنگی روحی و روانی» است و یا به عبارت دقیق‌تر «همگونی شخصیتی» از نظر علمی



و روانشناسی شخصیت ، طبقه‌بندی‌های متعددی نسبت به شخصیت افراد صورت گرفته که یکی از معروف‌ترین آنها ، تقسیم‌بندی «درون‌گرا» و «برون‌گرا» است و چون «درون‌گرایی» و «برون‌گرایی» یک امر نسبی است و در حقیقت یک طیفی است که می‌توان از شماره ۱ (درون‌گرای محض) تا ۱۰۰ (برون‌گرای محض) شماره‌بندی کرد و از طرف دیگر مطابق معیارهای ارزشی اسلام ، برون‌گرایی صرف (از خود بیخود شدن) یا درون‌گرایی صرف (رهبانیت و گوشه‌گیری) نامطلوب است پس باید گفته شود: برای زندگی مطلوب اسلامی، نمی‌توان گفت افراد درون‌گرا باتیپ خود و بالعکس برون‌گرا با هم‌گروه خود ازدواج‌کنند بلکه باید «تعادل» ایجاد شود. لکن در عین حال برای جلوگیری از درگیری‌ها و عدم تفاهم باید فاصله زیادی نباشد یعنی مثلاً تا بیش از ۲۰ یا ۳۰ شماره فاصله نباشد .

#### ۹- هم‌تایی در زیبایی

توجه به توازن و تناسب میان دو همسر در «زیبایی صورت و اندام و قیافه ظاهری» نیز لازم است. اگر یکی از آن

دو «زیبا و خوش اندام و خوش تیپ» باشد و دیگری زشت صورت و بد اندام ، احتمال به وجود آمدن ناراحتی و مشکل برای هر دو و عقده‌های روانی و انحراف و بی‌عفتی و حسرت و... برای فرد زیبا وجود دارد .

دو انسان که می‌خواهند به عنوان همسر و یاور هم باشند لازم است یکدیگر را از هر جهت دوست داشته باشند و از اندام و چهره و شکل ظاهری هم خوششان بیاید.

«زیبایی» یک معیار و اندازه معین و قانون استاندارد ندارد که بشود افراد را با آن سنجید بلکه تا حدودی به سلیقه افراد بستگی دارد حتی ممکن است فردی در نظر کسی زیبا باشد و در نظر دیگری زشت .

پس صفت زیبایی یک خصوصیت نسبی است و لازم نیست در حد عالی باشد بلکه مهم آن است که دو همسر ، یکدیگر را از نظر قیافه ظاهری و اندام بیسندند و از هم خوششان بیاید و دلخواه هم باشند .

زیبایی همسر در حفظ و تقویت عفت و ایمان همسرش تأثیر دارد. اگر همسر، از زیبایی همسرش راضی باشد ، چشم

و فکر و عملش ، متوجه دیگران نخواهد شد .

اما باید به این مسأله توجه داشت که «زیبایی» باید در کنار دیگر صفات و معیارها ، مورد توجه و بررسی قرار گیرد نه بطور مستقل ، یعنی زیبایی بدون تدین و عفت و اخلاق و ... نه تنها امتیازی محسوس نمی شود بلکه آفتی است خطرناک! اگر کسی دین ، اخلاق ، عفت ، عقل ، شرافت خانوادگی ... داشته باشد آنگاه «زیبایی» برایش «کمال و ارزش و امتیاز» محسوب می شود وگرنه «بلایی» است رسواگر .

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده اند :

«مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً ... لِجَمَالِهَا، رَأَى فِيهَا مَا يَكْرَهُ: کسی که صرفاً برای زیبایی زن و (همچنین مردی) با او ازدواج کند ، در او امور ناخوشایند خواهد دید» .

کسی که ایمان و تدین و عفت و ارزش های اصیل و حقیقی را زیربنای زندگی قرار داد و زیبایی را به عنوان یک امتیاز تکمیلی در کنار آنها به حساب آورد ، گذشت زمان نمی تواند آن زندگی را فرسوده کند زیرا:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ

وَدَّ: خداوند ، محبت مؤمنان نیکوکار را در قلب‌های دیگران قرار می‌دهد»<sup>(۱)</sup>.

خدای مهربان، به پاداش تدین همسران باایمان، چنان محبت و اشتیاق شدیدی در قلب‌های پاک‌انان قرار می‌دهد که هیچ عاملی، حتی سپری شدن دوران جوانی و شادابی، نمی‌تواند آن را سرد کرده و از بین ببرد .

#### ۱۰ - هم‌تایی خانوادگی

ازدواج با یک فرد، مساوی است بایبوند با یک خانواده و فامیل و نسل. از این رو خانواده دختر و پسر باید با هم «سنخیت و تناسب» داشته باشند سنخیت و تناسب دینی ، اجتماعی ، اخلاقی و غیره در مسأله «انتخاب همسر» معقول نیست که انسان بگوید: «من می‌خواهم با خود این فرد ازدواج کنم و کاری به خانواده و خویشان ندارم» زیرا:

۱ - این فرد جزئی از همان خانواده و فامیل و شاخه‌ای از

همان درخت است و این شاخه ، از ریشه های همان درخت ، تغذیه کرده است ، مسلم است که بسیاری از صفت اخلاقی ، روحی ، عقلی ، جسمی آن خانواده از راه وراثت و تربیت و محیط و عادات به این فرد منتقل شده است .

پیامبر اسلام ﷺ در این باره می فرماید :

« تَرَوُّجُوا فِي الْحَجْرِ الصَّالِحِ ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ : در دامن و خانواده شایسته ، ازدواج کنید ، زیرا عِرْقُ (نطفه ، وراثت و ژن ها) تأثیر می گذارد»<sup>(۱)</sup>

« أَنْظُرْ فِي أَيِّ شَيْءٍ تَضَعُ وَلَدَكَ ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ : نیک بنگر که فرزندان را در کجا قرار دهی زیرا عِرْق و خصوصیات ارثی ، به صورت پنهانی و بدون اختیار منتقل می شود و تأثیر می گذارد»<sup>(۲)</sup>

۲- اگر فرد با آنان کاری نداشته باشد ، آنان با او کار دارند . هرگز نمی توان همسر را از آنان و آنان را از همسر جدا کرد .

۱- کتاب مکارم الاخلاق . ۲- همان .

۳- بدن‌نامی یا خوش‌نامی آنان ، تا آخر عمر همراه انسان است و در زندگی تأثیر می‌گذارد و تحمل بدن‌نامی، برای آنان بسیار مشکل خواهد بود .

۴- صفات و خصوصیات، در فرزندان آینده، تأثیر دارد .

پیامبر اکرم در این باره می‌فرماید :

« تَحَيَّرُوا لِنُطْفُكُمُ ، فَإِنَّ الْأَبْنََاءَ تَنْشَبُهُ الْأَحْوَالُ : بَنُغْرِيْدُ چِه

کسی را به همسری برمی‌گزینید، زیرا فرزندان ، شبیه و مانند

دایی‌هایشان می‌شوند»<sup>(۱)</sup>

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند :

« إِيَّاكُمْ وَ حَضْرَاءَ الدَّمَنِ ... : بِيْرَهِيْزِيْدُ از سبزه‌زاری که بر

فراز مزبله و منجلابی روئیده باشد .(زن زیبایی که در

خانواده پلیدی رشد کرده باشد)»<sup>(۲)</sup>

اما سؤالی که پیش می‌آید این است که از خانواده‌های بد ،

۱- جواهر ، جلد ۲۹ ، صفحه ۳۷ .

۲- وسائل الشیعه ، جلد ۱۴ ، صفحه ۲۹ .

گاهی فرزندان شایسته و خوب بیرون می‌آیند و از خانواده‌های شریف و پاک، فرزندان ناخایسته و پلید؟  
 اولاً: بله، درست است اما این موضوع گاهی اتفاق می‌افتد و استثناء همیشه بوده و هست، گاهی در منجلاب، گلی می‌روید و در گلستان، خاری. نمی‌شود بر مبنای استثناءها، قانون کلی بنا نهاد.

ثانیاً: همین استثناءها نیز با اصل خودشان ریشه مشترک دارند و بدون تردید آثاری از آن ریشه مشترک، در وجودشان هست که ممکن است در مواقع و حالات عادی ظاهر نشود اما در تلاطم‌ها و حالات غیرعادی ظاهر می‌شود.  
 ثالثاً: اگر بر کسی یقین شد که این «فرع» غیر از آن «اصل» است و همچنین بتواند این «فرع» را از آن «اصل» جدا کند و نگذارد خانواده‌اش در زندگی آینده دختر و پسر نقش داشته باشند و دخالت کنند و آنگاه می‌تواند با او ازدواج کند، اما این کار، کار هرکس نیست.

« اَلْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَ اَلْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ »

وَ الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ ... : زنان خبیث و ناپاک از آن مردان خبیث و ناپاکند و مردان ناپاک نیز تعلق به زنان ناپاک دارند و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک هستند...»<sup>(۱)</sup>

فلسفه و هدف ازدواج رسیدن به آرامش است و عشق و آرامش و الفت و مصاحبت جز با رعایت همتایی و کفویت در انتخاب همسر به دست نمی‌آید .

یکی دیگر از شرایط ازدواج «هم‌شأن بودن» پسر و دختر است و مراد از هم‌شأن بودن برابری از نظر مقام و ثروت و شوون مادی نیست بلکه منظور از آن چنانچه در روایات آمده این است که پسر و دختر ، مسلمان و پاکدامن باشند و نیز شوهر بتواند مخارج زندگی را تأمین کند .

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مرد باایمان، هم‌شأن زن باایمان است» .



امام صادق علیه السلام می فرماید: «مقصود از "کفو" آن است که مرد پاکدامن باشد و نیز بتواند مخارج زندگی را تأمین کند».<sup>(۱)</sup>

و همچنین در شرایط همسری و هم شأنی می فرماید: «همسر همشأن، کسی است که در اثر ایمان باحیا باشد و بتواند زندگی اش را بچرخاند».<sup>(۲)</sup>

حضرت رسول فرمود: «دختر به کفو و مثل خود بدهید و از کفو و مانند خود دختر بخواهید و از برای نطفه خود زنی را انتخاب کنید که شایسته آن باشد که فرزند از او به هم رسانید».<sup>(۳)</sup>

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «آمیزش کنید با آنها که می شناسید و احتیاط کنید از کسانی که نمی شناسید».<sup>(۴)</sup>

- 
- ۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۵۲.
  - ۲- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۵۳.
  - ۳- بحار الانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۲۲۱.
  - ۴- کلمات قصار.

چه دختر و چه پسر برای تشکیل زندگی مشترک و یکی شدن برای رسیدن به آرامش و حفظ نوع بشر و تربیت انسان‌های برتر از خود، باید در انتخاب همسر دقت کنند، دین‌داری، خوش‌خلقی، پاکدامنی، عفت، برخورداری از ادب از مهم‌ترین معیارهای انتخاب است.

رعایت کفویت را هم در ازدواج پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با خدیجه و هم در ازدواج آسمانی حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام با حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام مشاهده می‌کنیم.

و در حدیث است که «اگر علی نبود در عالم کفوی برای زهرا نبود»<sup>(۱)</sup>.

بنابراین در بحث انتخاب همسر باید همتایی، شباهت در امور دینی و اخلاقی و خانوادگی در نظر گرفته شود. همچنین در مباحث فقها آمده است که کفو بودن شوهر به اسلام او است و شخصیت‌های اجتماعی در کفو بودن دخالتی ندارد.<sup>(۲)</sup>

۱- فضائل الخمسه، جلد ۲، صفحه ۱۴۹.

۲- آیت الله صانعی.

**تعریف واژه مهر (صداق)**

مهر کلمه‌ای است عربی و در فارسی آن را کابین گویند و لغات دیگر مترادف آن در عربی، صداق، نحله، فریضه، اجر می‌باشد. در قرآن مجید واژه مهر به کارنرفته بلکه از لغات معادل آن استفاده شده که یکی از آن صداق است و «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً»<sup>(۱)</sup> و در قاموس قرآن آورده: صَدَقَةٌ: به فتح صاد و ضم دال مهریه زن است که جمع آن در قرآن صَدَقَات آمده.<sup>(۳)</sup>

**مهریه پاداش و نشانه حیا و عزت زن است**

مهر، با حیا و عفاف زن یک ریشه دارد، زن بالهام فطری دریافته است که عزت و احترام او به این است که خود را رایگان در اختیار مرد قرار ندهد.

---

۱- ۴ / نسَاء .

۲- ترجمه از کتاب تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۶۲، تاریخ انتشار اردیبهشت ۱۳۵۴.

۳- قاموس قرآن، جلد ۳- ۴، صفحه ۱۱۷، ماده (صدق).

همین‌ها سبب شده که زن توانسته با ناتوانی جسمی، مرد را به عنوان خواستگار به آستانه خود بکشاند و مردها را به رقابت با یکدیگر وادار کند زن از مرد در مقابل شهوت تواناتر و خوددارتر آفریده شده است. مرد در مقابل غریزه از زن ناتوان‌تر است این خصوصیت همواره به زن فرصت داده است که دنبال مرد نرود و زود تسلیم او نشود و برعکس مرد وادار کند که به زن اظهار نیاز کند و برای جلب رضای او اقدام نماید یکی از آن اقدامات این بوده که برای جلب رضای او و به احترام موافقت او هدیه‌ای نثار او کند.<sup>(۱)</sup>

قبلاً هم از علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان بیان شد که مهر را عوض عصمت قرار می‌دادند.

پس می‌توان نتیجه گرفت که مهریه عامل حفظ و کنترل دختر از انحراف و نگهداری خود می‌باشد. چون حفظ بکارت تا هنگام عقد شرعی و شوهر قانونی از جمله نشانه پاکدامنی و عصمت زن می‌باشد که اگر چنانچه شوهر شرط

۱- حقوق زن در اسلام: شهید مطهری، صفحه ۲۰۱.

کند که زن باکره باشد و بعد از عقد معلوم شود که باکره نبوده می‌تواند عقد را بهم بزند<sup>(۱)</sup> و در این صورت مهری به زن تعلق نخواهند گرفت چون در حکم تدلیس خواهد بود. صاحب تفسیر الفرقان در مورد توصیف مهر به نحله می‌فرماید:

وَ اِيتَاءُ لِكِرَامَةِ الرَّؤُوسِ نَحْلَةً . نَحْلَةً (مهریه) در ازاء آن کرامت و شخصیت و عزت زن است . و سپس توضیح داده است که : وَ فِي اِضَافَةِ الصَّدَقَاتِ إِلَيْهِنَّ لَمَحَّةٌ أُخْرَى بِذَلِكَ الْإِحْتِصَاصِ ، فَلَمْ يَقُلْ : صَدَقَاتُكُمْ ... وَ إِنَّمَا (صَدَقَاتُهُنَّ الْخَاصَّةُ بِهِنَّ كَجَقِّ أَصْبِلٍ فِي جَقْلِ الرَّوَّاجِ) .<sup>(۲)</sup>

در اینکه صدقات (مهر) به ضمیر هن اضافه شده نه بکم ، لطف خاصی دارد ، که مهریه در زندگی زناشویی ، حق اصلی آنهاست نه اینکه منتی باشد .

۱- طبق فتوای امام خمینی (ره)، مسأله (۲۴۴۴) توضیح المسائل .

۲- الفرقان فی تفسیر القرآن و السننه ، جلد ۶ ، صفحه ۲۰۹ .

در اسلام مهریه معرف شخصیت و استقلال زن و به معنی عزت و حرمت زن می‌باشد زیرا که مهریه هدیه است و هدیه و پیشکش را نزد بزرگان یا کسی می‌برند که دل به او سپرده باشند و برای او قدر و مقام و حرمت و عزتی قائل باشند.

### کم بودن مهر مستحب است و زیادی آن مکروه

با وجود اینکه شرعاً و قانوناً محدودیتی در تعیین مهر وجود ندارد اما با توجه به فلسفه ازدواج، سنگینی مهر کراهت دارد - به خصوص زمانی که مهر موجب به تعویق افتادن ازدواج گردد و جنبه تشریفات و چشم و هم‌چشمی به خود بگیرد و بهانه‌ای برای نسل جوان گردد. مادامی که از مشکلات اقتصادی رنج می‌برد و با عنایت به اینکه مهر دینی است به عهده شوهر و عندالمطالبه باید بپردازد، کمی آن مورد سفارش و استحباب است.

برخلاف آنچه که تصور می‌شود، مهر سنگین ضمانتی برای تداوم و بقاء زندگی زناشویی نیست و گاهی زیادی مهر باعث بسیاری از مشکلات و از هم پاشیدگی خانواده و

موجببات عذاب زن می‌گردد. و شوهر که توان پرداخت آن را ندارد جهت رهایی از این دین سنگین و نپرداختن آن دنبال بهانه‌جویی و رفتارهای ناهنجار می‌رود؛ در نتیجه زن یا باید از مهر خود چشم پوشی کند یا وضع رقت‌بار و نامطلوب موجود را تحمل کند؛ ولی اگر مهر کم باشد عموماً زن دچار این مشکلات نمی‌گردد. در نظام خانواده اگر مهر و محبت و علاقه حاکم نباشد مهر زیاد نمی‌تواند تضمین‌کننده بقا و خوشبختی خانواده باشد در پاره‌ای اوقات زیادی مهر جز رنج و فشار روحی چیز دیگری برای زن ندارد. چه بسا سخت‌گیری و سنگینی مهر اثرات نامطلوب روانی دارد و برای استمرار در روابط خانوادگی عکس‌العمل‌های سوئی دربرداشته باشد و گاهی هم موجب انتقام‌گردد. به همین خاطر در منابع دینی هیچ‌گونه توصیه‌ای بر زیادی مهر نشده بلکه برعکس بر کمی آن تأکید و سفارش شده است. و چه بسا زیادی مهر نهی شده است.

عن علی ع قال : لَا تَغَالُوا بِمُهورِ النِّسَاءِ

فَيَكُونُ عِدَاوَةً<sup>(۱)</sup>

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «مهر زنان را بالا نبرید که موجب عداوت می‌شود». ملاحظه می‌شود که از دید حضرت علی علیه السلام زیادی مهر موجب دشمنی می‌گردد. و حال آن که به فرموده قرآن مهر باید نحلّه باشد یعنی موجب شیرینی زندگی گردد.

رُوي: أَنَّ مِنْ بَرَكَاتِ الْمَرْأَةِ قَلَّةُ مَهْرِهَا، وَ مِنْ شُومِهَا كَثْرَةُ مَهْرِهَا<sup>(۲)</sup>

روایت شده است که: «کمی مهر زن برکت و زیادی مهر شوم است» امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «نزد پدرم از شوم بودن بحث بود که پدرم فرمود شوم بودن در سه چیز است ... اما شوم بودن زن در زیادی مهر او است»<sup>(۳)</sup>.

۱- بحارالانوار، جلد ۱۰۰، صفحه ۳۵۱.

۲- من لا يحضره الفقيه، جلد ۳، صفحه ۲۵۳.

۳- وسایل الشیعه، جلد ۱۵ کتاب النکاح، باب ۵ از ابواب المهور، صفحه ۹.



روشن است که خود انسان‌ها شوم نمی‌باشند بلکه اعمال و رفتار آنها موجب نحسی و گرفتاری خواهد شد؛ اگر مهر متعادل باشد بهتر می‌شود مشکلات را حل نمود برخلاف زمانی که مهریه زیاد و بیشتر از توان مالی شوهر باشد که در این صورت در منازعات زناشویی مشکلات زیادی وجود خواهد داشت؛ از طرفی زن در رسیدن به حق خود یعنی مهریه اصرار دارد و از طرفی شوهر که توان پرداخت را ندارد سرباز می‌زند و دامنه نزاع بالا خواهد گرفت و نه تنها زوجین بلکه خانواده‌های مرتبط نیز دچار مشکل و ناراحتی خواهند شد که این گرفتاری شوم و بدبختی از پیامدهای زیادی مهر است، که موارده و مصادیق آن را در جامعه شاهد هستیم.

معنی دیگر شوم بودن مهریه زیاد این خواهد بود که وقتی جوانی توان پرداخت مهریه زیاد را ندارد از ازدواج منصرف خواهد شد، در نتیجه تجردگرایی - که مستأسفانه از بلاهای عصر ماست - رواج پیدا خواهد کرد و خدای نکرده دامنه فساد در جامعه رو به افزایش خواهد گذاشت و آن عصمت لازم از بین خواهد رفت و به همین جهت نبی اکرم ﷺ می‌فرماید:

«بهترین زنان امت من زیباترین و کم‌مهرترین آنها هستند»<sup>(۱)</sup>.

با اینکه برای مهریه حد معینی تعیین نشده اما برای استحکام و بقای خانواده ملاک تعیین مقدار مهر رضایت است و آن هم تأکید بر کم بودن مهر شده است تا جایی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیثی هشدار داده که مهریه سنگین نباشد:

«قسم به حق آن کسی که مرا مبعوث به نبوت و رسالت نمود هر زنی که مهریه را بر شوهر سنگین بگیرد خداوند زنجیرهای آتش جهنم را بر او سنگین خواهد گرفت»<sup>(۲)</sup>.  
و بر همین اساس می‌توان بین این دسته از روایات و روایاتی که قبلاً در عدم محدودیت مهر بیان شد، جمع به

۱- وسایل الشیعه، جلد ۱۵ کتاب النکاح، باب ۵ از ابواب المهور،

صفحه ۹.

۲- مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، باب ۵ از ابواب المهور، صفحه ۶۸.

استحباب کم بودن مهر و مکروه بودن زیادی آن نمود همان طوری که فقهای عظام هم بر همین مبنا فتوای به استحباب محدودیت مهر به مهرالسنه و فتوای بر کراهت زیادی آن را داده‌اند. در این رابطه مرحوم حلی فرموده: مستحب است کمی مهر و مکروه است اینکه مهر از مهرالسنه که پانصد درهم است تجاوز نکند.<sup>(۱)</sup>

فقهای بزرگوار دیگر مثل حضرت امام خمینی<sup>(۲)</sup> و شهیدین<sup>(۳)</sup> و صاحب مقنع<sup>(۴)</sup> بر همین مطلب (استحباب کم بودن و مکروه بودن زیادی آن از مهرالسنه) فتوای داده‌اند و مرحوم صاحب جواهر هم ادعای عدم خلاف

۱- شرایع الاسلام، کتاب النکاح، جلد ۲، صفحه ۵۴۷.

۲- تحریر الوسیله، جلد ۲، صفحه ۲۹۷.

۳- شرح لمعه، جلد ۲، صفحه ۹۸.

۴- جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۱۶.

در استحباب کم بودن مهر نموده است.<sup>(۱)</sup> شاید بتوان از مجموع نظرات فقها و روایات، این استحباب را استحباب تأکیدی شمرد. در ماوراء الفقه پس از اشاره به احادیثی که در مورد کم بودن مهر بیان کرده است و اینکه این روایات معتبرالسند هستند فرموده:

«سیاق این روایات گرچه خبری است، اما ظاهر آنها واضح است نسبت به اینکه مراد از تشریح و انشاء (این روایات) به معنی نهی از زیادی مهر و امر به کمی آن می‌باشد، ولی اگر توجه به علت و حکمت آن بنمائیم این است که اگر اطاعت نمودیم آن حکمت که برکت است حاصل می‌شود و اگر مخالفت کردیم (یعنی مهر زیاد گردد) موجب نحس می‌شود. این حکم استحبابی است که فقیه آن را حمل بر

---

۱- جواهرالکلام، جلد ۳۱، صفحه ۱۶.

و جوب نمی‌کند».<sup>(۱)</sup>

### حبس مهریه

یکی از مسائلی که در این فصل مورد بررسی قرار خواهیم داد عدم جواز حبس مهر و لزوم پرداختن مهر، به زوجه در زمان مطالبه است. زیرا مهر برای زوجه حقی ثابت و دینی است برعهده زوج، در صورتی که مهر مدت نداشته باشد یا مدت آن تمام شده باشد زن حق مطالبه آن را دارد و زوج هم شرعاً و عقلاً و قانوناً موظف به پرداخت آن می‌باشد و حق تخلف و حبس آن را ندارد والا غاصب و گنهگار محسوب می‌شود.

سرباز زدن از پرداخت مهریه زن و آن را با اجبار و اکراه و توأم با رنجش زوجه پرداخت نمودن، علاوه بر اینکه با فلسفه مهر (که قبلاً بحث شد) منافات دارد، مخالف با مفهوم آیه

۱- ماوراء الفقه، السید محمدالصدر، جلد ۶، صفحه ۱۳۲.

شریفه (فَارِنْ طَيِّبَةً)<sup>(۱)</sup> می‌باشد که باید مهریه را با طیب خاطر و میل قلبی پرداخت نمود، در آیات شریفه‌ای که مربوط به مهر است تعابیر بسیار بالا و زیبایی در مورد مهر داریم که مفسرین بزرگ روی آنها عنایت خاصی نموده‌اند. همانطوری که قبلاً در ذیل آیه سوره نساء<sup>(۲)</sup> از قول مفسرین نقل شد، اولیاء زن یا اولیاء ایتم (یا همان طوری که قبل از نزول این آیه در گذشته مرسوم بوده) مهر را به زن نمی‌داده‌اند در این آیه اولیاء و شوهران مخاطب قرار گرفته‌اند، که مهریه زن را به آنها بدهید چون حق آنها می‌باشد، مگر اینکه با میل و رغبت

---

۱-۴ / نساء .

۲- لَأُجْنَحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَ مَتَّعُوهُنَّ تَرْجَمَه: بدهید زنان را مهر ایشان با خوشدلی و اگر زنان درگذرند با خوشدلی برای شما از بعض مهر پس بخورید آن را سازگار و خوشگوار. (۲۳۶/ بقره) تفسیر منهج الصادقین صفحه ۴۲۳.

خود چیزی از آن را به شما ببخشند .  
در این آیه شریفه نه تنها دستور پرداخت مهر به زن داده شده ، بلکه با کلمه (نحله) کیفیت آن را هم بیان کرده است . یعنی به صورت هدیه ای شیرین و باطیب نفس و بدون هیچ مضایقه و تعلل مهریه را به زن پرداخت نمایید و همچنین هیچ‌گونه منّتی و چشم‌داشتی نداشته باشید .  
ظاهر آیه آن است که آنچه مهر زنان است بدون مطالبه آنها و محاکمه و مخاصمه پردازید ، چه اینکه در غیر این صورت ، (نحله) شیرین نخواهد بود و این خلاف دستور خداوند است . انسان مؤمن و پایبند به حقوق الناس ، باید قبل از اینکه زن مهر خود را مطالبه بنماید - هرچند زن بی‌نیاز از مهریه باشد - مهریه او را پردازد - حتی اگر نمی‌تواند یکجا بدهد قسط‌بندی نموده و خود را بری‌الزمه بنماید - اتفاقاً در قانون مدنی ماده ۱۰۸۳ فرموده است : برای تأدیة تمام یا قسمتی از مهر می‌توان مدت یا اقساطی قرار داد .  
از ماده فوق استفاده می‌شود که لازم نیست مهریه یک جا

پرداخت گردد بلکه می‌توان ضمن عقد برای پرداخت تمامی مهر اجل قرار داد و یا قسمتی از آن را مدت‌دار و قسمتی دیگر حال قرار داد و قسمتی یا تمام آن را در ضمن عقد یا بعد از عقد قرار داد نمود که به صورت قسطی پرداخت شود که تأدیّه آن برای زوج سنگین نباشد، باید این فرهنگ دینی در میان جامعه ایمانی تثبیت شود که این خود موجب کند شدن سیر صعودی و تعدیل مهریه خواهد شد و مشکل بالا بردن به عنوان یک مانع ازدواج از سر راه جوانان برداشته خواهد شد و دیگر شاهد آن نخواهیم بود که زن برای گرفتن مهر خود به دادگاه مراجعه کند و مهر در کام او تلخ شود و یا به خاطر رهائی از آزار شوهر خود مجبور باشد مهریه‌اش را ببخشد، بدون اینکه پشتوانه مادی داشته باشد. در روایات وارده از معصومین علیهم‌السلام هر شیوه و روشی که موجب تضییع مهریه زن شود به شدت مورد نکوهش قرار گرفته و در ردیف اعمال ناپسند و مذموم قرار داده شده است که جهت تنبه به چند دسته از روایات ذیل اشاره می‌شود:



**الف: غاصب مهر بخشیده نمی شود:**

رعایت حقوق در اسلام نشانه کرامت انسان مؤمن است و مهم ترین حقی که باید رعایت نمود و قابل بخشش نیست حق الناس است و نیز از مصادیق حق الناس مهریه می باشد لذا پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیثی فرمودند:

«خداوند در روز قیامت هرگناهی را می بخشد مگر مهر زنها را (اگر شوهری آن را نپرداخته باشد یا زن آن را نبخشیده باشد)»<sup>(۱)</sup>

و در حدیث دیگر که حضرت علی عَلِيٌّ از قول پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده اند ، استفاده می شود: کسی که مهریه همسرش را ندهد غاصب است همانند کسی که غضب احق اجیرش بنماید که نمی شود بخشید.<sup>(۲)</sup>

کسی که غاصب اموال دیگران باشد علاوه بر اینکه

۱- وسائل الشیعه ، جلد ۱۵ ، صفحه ۲۲ .

۲- مستدرک الوسائل ، جلد ۱۵ ، صفحه ۷۲ .

گناهکار است اعمال شرعی او هم مورد اشکال است .  
 امام خمینی (ره) در تعریف غضب فرموده‌اند : «غضب  
 استیلاء بر چیزی است که مربوط به غیر است از مال  
 یا حق آن هم به صورت عدوانی»<sup>(۱)</sup> .  
 در کنز‌العرفان در ذیل آیه ۴ سوره نساء قول خداوند (فَأَنْ  
 طَبَّنَ) فرموده : جمله فان طبن در آیه دلالت دارد بر عدم جواز  
 غضب مهر و مکر و حيله (جهت فرار از پرداخت) و اکراه  
 و مجبور نمودن بر اینکه زن مهر خود را نگیرد.<sup>(۲)</sup>  
 بنابراین نپرداختن مهریه با عدم رضایت زوجه یک نوع  
 غضب است و احکام غضب بر آن جاری خواهد بود مگر  
 نپرداختن مهر از روی فقر باشد یا اینکه زن راضی باشد .

#### ب: غاصب مهر در پیش خدا، زانی است

در بعضی از روایات زوجی که از پرداخت مهریه  
 زوجه اش خودداری کند در نزد خدا در حکم زانی شمرده

۱- تحریر الوسیله ، جلد ۲ ، صفحه ۱۷۲ .

۲- کنز‌العرفان فی فقه القرآن ، جلد ۲ ، صفحه ۲۰۲ .

شده است ، چون او یک متجاوز به حدود خداوند است .  
از جمله این روایات ، روایتی است از امام صادق علیه السلام :  
«کسی که ازدواج نماید با زنی و قصد دادن مهر را نداشته  
باشد در نزد خداوند زانی می باشد» .<sup>(۱)</sup>

شاید بتوان ادعای حدیث فوق را با روایتی که از حضرت  
علی علیه السلام در ذیل آیه شریفه (وَأْتُوا النِّسَاءَ صِدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً)<sup>(۲)</sup>  
نقل شده است تبیین نمود ، زیرا آن حضرت فرمود : «خداوند  
می فرماید بدهید مهری که به وسیله آن زن ها (همبستر شدن)  
بر شما حلال شدند ، پس کسی که ظلم کند به زن ها  
در مهر آنها زانی محسوب می شود» .<sup>(۳)</sup>

### ج : غصب مهر از پلیدترین گناهان است

ستم وجود نسبت به کسی که قدرت دفاع ندارد و  
زیر دست محسوب می شود از پست ترین گناهان است ،

۱- وسائل الشیعه ، جلد ۱۵ ، صفحه ۲۲ .

۲- ۴ / نساء .

۳- مستدرک الوسائل ، جلد ۱۵ ، صفحه ۷۲ .

به خصوص اینککه یک نوع جنایت به شریک زندگی باشد آن هم با اعتمادی که او نموده است لذا از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«پلیدترین گناهان سه چیز است، کشتن حیوانات و حبس و ندادن مهریه زن و منع ندادن مزد و اجرت اجیر».<sup>(۱)</sup>

#### د: حبس مهر یک نوع دزدی است

از آنجائی که مهر از هنگام انعقاد عقد نکاح بر ذمه شوهر است که عندالمطالبه باید به زوجه بپردازد، چنانچه نپردازد در حکم سارقی است که آن را می‌رباید و به مالک آن (یعنی زوجه) نمی‌دهد لذا امام صادق علیه السلام فرمودند:

«کسی که مهری را تعیین کند و قصد دادن آن را نداشته باشد به منزله دزد می‌باشد».<sup>(۲)</sup>

و در همین باره در روایتی، امام صادق علیه السلام فرمودند:

«دزدی سه قسم است: ندادن زکات و حلال شمردن مهر زن

۱- مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، صفحه ۷۲.

۲- مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، صفحه ۲۱.

(یعنی ندادن آن به زوجه) و ندادن دین و قرض به صاحبش»<sup>(۱)</sup>.  
در واقع روایت دوم توجیه می‌کند که چرا به غاصب مهریه  
دزد اطلاق می‌شود، زیرا مهریه در حکم دین و قرض در دست  
شوهر است که باید هنگام مطالبه به زوجه برگرداند و اگر  
امتناع نمود در حکم دزد می‌باشد.

#### ه: غاصب مهر پیمان شکن است

در زندگی مقدس‌ترین پیمان‌ها پیوند زناشویی است که گاهی  
در ضمن این پیمان مهر هم شرط می‌شود، پایبند بودن به شرط  
همان قدر ارزش دارد که پیوند زناشویی ارزش دارد، گرچه به  
توصیه آیات شریفه، مؤمن باید پایبند به عهد و قرارداد خود  
باشد. به دلیل قول خداوند: **وَالْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ**<sup>(۲)</sup>  
مؤمنین پایبند شروط خود هستند.  
نبی بزرگوار اسلام ﷺ فرمودند: **اولی‌ترین شرطی که  
باید به آن وفا کنید آن است که آنچه به آن فرج**

۱- مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، صفحه ۲۱.

۲- ۵ / مائده .

حلال شده است تمام و کمال بدهند.<sup>(۱)</sup>  
 در حدیث مناهی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که آن حضرت فرمودند: «کسی که نسبت به مهر زن ظلم کند در نزد خداوند زانی است ، خداوند متعال در روز قیامت می‌فرماید: بنده من ، بنده‌ام را بر عهد و پیمانم به ازدواج تو درآوردم (اجازه دادم با او ازدواج کنی) و تو به عهده وفا نکردی (مهرش را ندادی) و ظلم کردی ، پس از حسنات او (مرد غاصب مهر) می‌گیرد و به زن می‌دهد به اندازه حق آن زن ، اگر حسنات مرد کفایت نکرد او را وارد بر آتش می‌گرداند به جهت پیمان‌شکنی چون از هر پیمانی پرسش خواهد شد (آیا وفا شد یا خیر)».<sup>(۲)</sup>

از این حدیث روشن می‌شود که اگر در مورد مهر پیمان‌شکنی شود حساب مرد پیمان‌شکن با خداوند است : چون شاید زن نتواند حق خود را بگیرد .

۱- رَوْضُ الْجَنَانِ وَ رَوْحُ الْجَنَانِ (تفسیر فارسی قرآن) ،

جلد ۵ ، صفحہ ۲۳۲ .

۲- وسائل الشیعه ، جلد ۱۵ ، صفحہ ۲۲ .

## فهرست مطالب

موضوع	صفحه
متن تأییدی حضرت آیه الله العظمی جعفر سبحانی.....	۴
پیش گفتار .....	۶
تعریف ازدواج.....	۱۱
تعریف لغوی.....	۱۱
اهمیت و فضیلت ازدواج.....	۱۲
ترغیب به ازدواج آسان و فراهم کردن مقدمات ازدواج برای افراد.....	۱۴
هدف از ازدواج آرامش است.....	۱۹
ازدواج ضامن بقای نسل انسان صالح.....	۲۲
اثر دنیوی ازدواج.....	۲۶
اثر اخروی ازدواج.....	۲۹
ازدواج بر پایه ایمان و اخلاق.....	۳۰
ازدواج بر پایه مادیات و شهوت.....	۳۱
پیش از انتخاب همسر چه باید کرد؟.....	۳۳

## فهرست مطالب

موضوع	صفحه
هم کفو بودن در ازدواج.....	۳۴
ذکر مصادیقی از هم کفو بودن در عصر کنونی.....	۳۸
۱- همتایی در ایمان.....	۳۹
۲- همتایی در سخن.....	۴۰
۳- همتایی در دانش.....	۴۲
۴- همتایی فکری و فرهنگی.....	۴۹
۵- همتایی اخلاقی.....	۵۰
۶- همتایی جسمی و جنسی.....	۵۲
۷- همتایی سیاسی.....	۵۶
۸- همتایی روحی و روانی.....	۵۶
۹- همتایی در زیبایی.....	۵۷
۱۰- همتایی خانوادگی.....	۶۰
تعریف واژه مهتر (صداق).....	۶۷
مهتریه پاداش و نشانه حیا و عزت زن است.....	۶۷
کم بودن مهر مستحب است و زیادی آن مکروه.....	۷۰



## فهرست مطالب

موضوع	صفحه
حبس مهریه.....	۷۷
الف : غاصب مهر بخشیده نمی شود.....	۸۱
ب : غاصب مهر در پیش خدا ، زانی است.....	۸۲
ج : غصب مهر از پلیدترین گناهان است.....	۸۳
د : حبس مهر یک نوع دزدی است.....	۸۴
ه: غاصب مهر پیمان شکن است.....	۸۵

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### ۴ اویژگی منحصر بفرد در کلیه محصولات مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

- ۱- تأیید علمی و محتوایی همه آثار ۱۰۰۰ گانه مؤسسه توسط هفت نفر از مراجع تقلید و مجتهدین حوزة‌های علمیه.
- ۲- «آزاد بودن هرگونه نسخه برداری و چاپ» از روی آثار مکتوب و «مجاز بودن حق کپی رایت» برای همه نرم افزارهای تولیدی باهماهنگی مؤسسه.
- ۳- تنوع تخصصی محصولات قرآنی «متناسب با جامعه هدف» یعنی «کودک، نوجوان، جوان، زنان، مردان، خانواده و مساجد».
- ۴- قراردادن متن الکترونیکی (E.BOOK) مربوط به همه آثار چاپ شده یا در دست چاپ بـر روی سـایت مؤسسه به آدرس: [WWW.Tafsirejavan.com](http://WWW.Tafsirejavan.com) با امکان دانلود و پرینت رایگان و ترجمه به ۳۰ زبان زنده دنیا.
- ۵- اعراب گذاری کامل «همه» آیات، روایات و کلمه های عربی (به جز پاورقی ها).
- ۶- طرح جلد های جذاب، ابداعی و گرافیکی متناسب با «جمعیت هدف هر کتاب».
- ۷- صفحه آرایبی شعرگونه و چشم نواز تا خواننده به دلیل پرش مرتب چشم «خسته» نشود (به جز موارد خاص).
- ۸- همه محصولات مؤسسه پس از فروش و استفاده، حتی اگر آسیب دیده باشد، از افراد حقیقی «پس گرفته می شود».
- ۹- فروش اقساطی همه آثار مؤسسه به قیمت نقد و با «تعیین اقساط توسط خریدار».
- ۱۰- آثار مؤسسه به افراد بی بضاعت در سراسر جهان به طور «رایگان» تقدیم می گردد.

۱۱- «رایگان بودن» همه آموزش‌های تخصصی قرآنی مؤسسه در سراسر جهان.

۱۲- برای هیچ یک از آثار، حق‌التألیف دریافت نمی‌شود (به جز مواردی که ناشر مایل به اهداء حق‌التألیف باشد).

۱۳- نشر نهایی آثار پس از نشر آزمایشی و موفقیت در طرح پایلوت (Pilot Plan) برای «جمعیت مخاطب هدف».

۱۴- استاندارد سازی روش تحقیق و تألیف آثار و تفسیرهای موضوعی، کاربردی و میان رشته‌ای از طریق «آموزش رایگان» / ۱/۰۰۰/۰۰۰ نفر از افراد مستعد و سازماندهی ۱۰۰۰ تیم پژوهشی ۳ نفره از بین آنها.

در صورتی که هر کس از صدر اسلام تا سال ۱۳۷۰ شمسی (معادل ۱۴۱۲ هجری قمری، سال تأسیس مؤسسه قرآنی تفسیر جوان) یک نمونه کتاب قرآنی را با جمع «۱۴ ویژگی» مذکور، به این مؤسسه ارائه دهد، برای هموطنان داخل کشور مبلغ «۵۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان» و برای افراد مقیم خارج از کشور مبلغ «۵۰/۰۰۰ دلار» جایزه به عنوان حق‌الکشف تعلق می‌گیرد.

(قیمت‌گذاری بسته‌های آموزشی و محصولات قرآنی مؤسسه بر مبنای ۱۴ ویژگی اشاره شده تعیین می‌گردد.)

دکتر محمد بیستونی  
رئیس هیئت مدیره گروه مؤسسات قرآنی تفسیر جوان